

باورهای اجتماعی و فلسفه به مثابه عقلانیت

حمیدرضا آیت اللهی

۱- کلیه ابعاد زندگی ما را باورها پر کرده اند. این باورها اغلب بایدهایی را برای ما بوجود می آورند. بایدها نیز اعمال و رفتار ما را تشکیل می دهند. وقتی باورهای ما در نسبت ما و جامعه باشد باورهای اجتماعی را تشکیل می دهند.

۲- باورهای اجتماعی نیز می توانند متاثر از واقعیت های اجتماعی باشند. ولی برخی مواقع واقعیت های اجتماعی توان تغییر باورها را ندارند.

۳- در برخی موارد باورهای اجتماعی مبتنی بر واقعیت های اجتماعی نیستند، مثلا می تواند برخاسته از هیجانات، احساسات، القائات و شرایط فرهنگی باشند.

۴- بسیاری از مواقع علی رغم تعارض واقعیت های اجتماعی و حقایق با باورهای اجتماعی افراد، باورها سخت مقاومت می کنند و خود را حفظ می کنند. (مثل باور عده کمی به مسطح بودن کره زمین)

۵- عقلانیت می تواند در تصحیح یا پالایش باورهای اجتماعی کمک کند ولی عناصر دیگری مثل هیجانات و احساسات می توانند مانع عقلانیت در شکل گیری باورهای ما یا تصحیح آنها باشند.

۶- برخی باورها، عقلانیت یا واقعیتی را به عنوان پشتوانه خود ندارند (مثل باور به برتری یک تیم فوتبال بر تیم دیگر، مثل برتری تیم آرسنال در مقابل چلسی مخصوصا برای یک ایرانی).

۷- اغلب برداشت های ما از واقعیت های اجتماعی، توسط شبکه اخباری که معمولا از طریق رسانه ها به ما می رسد شکل می گیرد. بر همین اساس نیز باورهایی بوجود می آیند که بایدهایی را تحمیل می کند و در نتیجه باعث رفتارهایی اجتماعی می گردد.

۸- در زنجیره چهارگانه **خبر، باور، باید و رفتار**، خبر نقش صغرای قیاسها را بازی می کند و باورهای پیشین و ساختارهای ارزشی پیشین نقش کبرای قیاس را.

۹- ساختارهای ارزشی قابل ارزیابی با اصول اخلاقی هستند و اصول اخلاقی می توانند ساختارهای ارزشی یک فرد را تصحیح کنند.

۱۰- عقلانیت مهم ترین ملاک ارزیابی صغرا و کبرای قیاسهای سازنده مجموعه باورها و باید های ما است. در نتیجه عقلانیت مهم ترین ابزاری است که درستی و نادرستی باورها و بایدهای ما و در نتیجه رفتارهای ما را می توان با آن سنجید.

۱۱- رفتارهای اجتماعی وقتی مسیر درستی را می پیمایند که هم در درک واقعیت های اجتماعی یا شبکه خبرهای دریافتی ما بر اساس عقلانیت شکل گرفته باشد و هم در تنظیم

باورهایمان بر اساس واقعیتها عقلانی بیندیشیم و هم در بایدهای رفتارهای اجتماعی مان نظام ارزشی مان را توسط عقل با معیارهای اخلاقی هماهنگ کنیم.

۱۲- رسالت فیلسوفان حاکم کردن عقلانیت و جاری ساختن آن در جامعه است و نه دخالت در امور سیاسی و اجتماعی.

۱۳- مبنای سواد رسانه ای (و نه رسانه هراسی)، حاکم کردن عقلانیت در دریافت واقعیتهای اجتماعی است.

پس اولین رسالت فیلسوف در عصر حاکمیت رسانه ها، رشد عقلانی جامعه با ارتقاء سواد رسانه ای افراد آن جامعه است.

دومین رسالت فیلسوف تنظیم عقلانی ساختارهای ارزشی افراد جامعه با معیارهای اخلاقی است. فیلسوف از آن جهت که فیلسوف است نباید در القاء نظام های ارزشی با ابزارهای گوناگون مثل خطابه و یا ایجاد انگیزشهای احساسی که کار مصلحان و واعظان و مبلغان اجتماعی است وارد شود بلکه باید تلاش کند که به مردم یاری رساند تا آنها در فرآیند خبر، باور، بایدهای ارزشی و رفتارهای اجتماعی عقل را بخوبی بکار گیرند.

۱۴۰۱/۸/۳۰